

نقش عرفان قرآنی در امنیت اجتماعی

مرتضی بدخشان^۱

^۱ استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول

چکیده

مشکلاتی همچون بزه کاریهای اجتماعی، دروغ، تهمت، حيله و فریب، گریز از قانون و هزاران مفسده دیگر که امروزه گریبانگیر جوامع انسانی شده و روز به روز بر کم و کیف آنها افزوده می شود ناشی از فاصله گرفتن از آموزه های دینی است آموزه هایی که توسط پیامبران الهی به بشر تقدیم شده است تا او را از چالشهای سیر الی الله آگاه کرده، با کشتی نجات به سوی خدا رهنمون سازند. یکی از برترین آموزه های حیاتبخش که ضامن سلامتی انسان در دنیا و رستگاری در آخرت است، اوامر و نواهی و آموزه های قرآنی است. آموزه هایی که اگر انسان بر اساس تعالیم آن پیش برود علاوه بر اینکه نسبت به هستی شناخت و معرفت می یابد، می تواند جامعه ای مالمال از صفا و صمیمیت را بر اساس فرامین الهی پایه ریزی کند. این تحقیق بر آن است که نشان دهد، گسترش شناخت و معرفت به هستی در جامعه باعث می شود که انسانها از حُب نفس، که بزرگترین دشمن انسان است به دور باشند. عدم وجود خودخواهی به معنی پرهیز از دنیا و دنیاطلبی است که باعث گسترش آسایش و آرامش در جامعه می شود و انسانها در پرتو آن یک زندگی مسالمت آمیز خواهند داشت. پژوهشگر در این پژوهش با بررسی آیات قرآن و آوردن نمونه هایی از آیات، ده مورد از نقش عرفان را در جامعه نشان داده شده است.

واژه های کلیدی: عرفان، قرآن، امنیت اجتماعی

تعاریف

عرفان قرآنی: عرفان قرآنی به عرفانی اطلاق می گردد که منبت و منشا آن آیات قرآن است.

مقدمه

در روزگاری که جوامع بشری را فساد اخلاق در بر گرفته و سیل بینان‌کن تجمل‌پرستی و رفاه‌طلبی بنیاد هویت انسانی را به انحطاط می‌برد و ضدارزشها مرتبه و منزلت ارزشها را به تاراج برده است و خورشید تابناک هدایت، همچنان در پشت ابرهای غیبت پنهان مانده است، باید به کالبدهای بی‌روح و یخزده، که در تاریکی بی‌اعتقادی و ناباوری افسرده‌اند، مسیر خداشناسی را هموار ساخت و به جوامع بشری جانی تازه و روحی دوباره بخشید. یکی از راههای شناخت خداوند هستی‌بخش، معرفت و شناخت انسان نسبت به هستی است. ابزار این شناخت قلب سلیم است. هر چه قلب از آلودگی‌ها پاک تر باشد، معرفت افزون تر می‌شود. برای رهایی از ناپاکی‌ها، بهترین راهنما قرآن است. قرآن انسان را به سوی خوبی‌ها می‌خواند و از بدیها بر حذر می‌دارد، شناخت و عرفان برگرفته از قرآن، جامعه‌ای سالم و صالح را ایجاد خواهد کرد که در آن خداوند محور هستی و انسان، اشرف مخلوقات و خلیفه‌ی خدا بر روی زمین است. آنچه از آیات الهی بر انبیاء گذشته و در قرآن بر خاتم پیامبران (ص) نازل شده است برای این است که به انسان چگونه زیستن را آموزش دهد. زندگی سالم یعنی عمل به دستورات قرآن و خودداری از انجام مناهی آن، بر اساس آیه‌ی مبارکه‌ی «لن تنالوا البرَّ حتی تنفقوا مما تُحِبُّون» (کسی به مقام نیکو کاران نمی‌رسد مگر اینکه آنچه را که دوست می‌دارد در راه خدا بدهد) با عنایت به دو آیه مذکور و صدها آیه دیگر، هم خود عارف به معرفت الهی به انسانهای دیگر محبت خواهد داشت و هم دیگران از خوبی‌ها و فیوضات او در جامعه بهره‌مند خواهند گشت. باسبقت گرفتن مومنین برای انجام اعمال صالح، آسایش و آرامش در زندگی و جامعه حاکم شده و جامعه‌ای سالم و به دور از تزویر و ریا به وجود خواهد آمد و به تبع آن پرخاشگری و بزه‌کاری به حد اقل خواهد رسید. در این مقاله با آوردن نمونه‌هایی از آیات قرآن، تاثیرات عرفان صحیح بر جامعه مورد بررسی قرار گرفته و ده مورد از تاثیرات آن در جامعه آورده شده است.

روش تحقیق

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با توصیف و تحلیل یافته‌ها، انجام گرفته است.

معنای لغوی عرفان

عرفان از ریشه "عَرَفَ" به معنی شناخت است.

العرفانُ یعنی العلمُ (فرهنگ منجدالطلاب). عرفان یعنی شناختن حق تعالی، خداشناسی (فرهنگ عمید)
العرفانُ یعنی العلمُ، رجلٌ عارفٌ، ای رجلٌ عارفٌ و العارفُ يعرفُ الامورَ و لا ینکرُ احداً راه مرّه.
العرفانُ و العارفُ بمعنی، مثل علیمٌ و عالمٌ، العارفُ و العروفُ و العروفه ای الصابرُ، رجلٌ عارفٌ ای رجلٌ صبورٌ و الجمعُ العرفا.
(لسان العرب، ابن منظور، ذیل کلمه "عرف")

معنای اصطلاحی عرفان

عرفان در اصطلاح عبارت است از باطن‌گرایی انسان، شناخت جهان هستی، و شناخت خداوند. همچنین عرفان در اصطلاح عبارتست از افزایش معرفت و شناخت انسان نسبت به خداوند.

خاستگاه عرفان

خاستگاه اولیه عرفان، گرایش فطری بشر است و محوریت آن، خداوند تبارک و تعالی می‌باشد. در عرفان الهی همه چیز حول محور خداست. زیرا تنها زنده‌ای که هستی‌اش قائم به ذات است خداوند باریتعالی می‌باشد. اوست که "حی" و "قیوم" است و اوست که هستی‌بخش هر هستی است. او نور آسمانها و زمین است، "الله نور السماوات والارض" (النور، ۳۵) او بی‌نیاز است و هر چه غیر از او، به او محتاج. "یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید" (فاطر، ۱۵) وقتی محور کارها خدا باشد،

عارف همه چیزش خدائی خواهد بود "ان صلاتی ونسکی و مماتی و محیای لله رب العالمین" (سوره انعام، ۱۶۲) پس تمام هم و غم عارف به خدا پیمودن مسیر و درجات یقین (علم یقین، عین یقین، حق یقین) حول محور الله است.

عرفان قرآنی و نقش آن در جامعه

عرفان، منشا و منبئی الهی و ریشه در فطرت بشر دارد. اشرف مخلوقات الهی پس از مستی هستی، و "نفخه ی روح" واجد شرایطی شد که ملائک برایش به سجده افتادند. "فإذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين" (الحجر، ۲۹ و ۳۰). چون اراده ی خداوند بر آن شد که در زمین خلیفه ای باشد انسان را آفرید و از روح خود در او دمید و او به اسماء الهی معرفت یافت. آنگاه به فرشتگان دستور داد تا مسجود او شوند. و چنین شد. مولوی این عارف بزرگ الهی که اشعارش تفسیر بسیاری از آیات قرآن است این داستان را چنین آورده است :

چشم آدم چون به نور پاک دید
جان و سر نامها گشتش پدید
چون ملک، انوار حق در وی بتافت
در سجود افتاد و در خدمت شتافت (مثنوی معنوی، بیت ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷)

عرفان قرآنی، منبئش قرآن است. "قرآن کریم مرکز همه عرفانهاست". (صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۳۸) همچنین ایشان فرموده اند: "مسائل عرفانی به آن نحو که در قرآن کریم است، در کتاب دیگری نیست" (تبیان، دفتر سیزدهم، ص ۶۳) شناخت و معرفت به حق جز به هدایت حق امکان پذیر نمی باشد و هدایت حق در فرامین و نواهی اوست که در آیات الهی قرآن تجلی یافته است پس فقط به واسطه ی خدا و راهنماییهای اوست که سالک به مقصد می رسد. "لا تدرك معرفة الله الا بالله" (شیخ صدوق، ۱۳۸۸) اجرای دستورات الهی از جانب سالک، محیطی امن و آرام در جامعه برای دیگران فراهم می کند. در زیر پژوهشگر با بررسی آیات قرآن، مواردی از تاثیرات عرفان قرآنی در جامعه را با نمونه ای از آیات مربوطه آورده است.

۱- ایجاد محبت و برادری

در عرفان قرآنی رابطه ی عبد با معبود، به رابطه ی عاشق با معشوق تبدیل شده است. "عشق عالی ترین پدیده ی روحی است. این حقیقتی است که هیچ خردمندی در آن تردید ندارد، بلکه آنان که از عشق می توانند دفاع کنند خردمندان هستند و بس. زیرا آنان هستند که می دانند نیروی عشق چیست و چه عظمتی را در بر می گیرد". (علامه جعفری، محمد تقی، ۱۳۸۹)

عارف قرآنی، بر اساس آموزه های قرآن، میداند که نمازش رفع تکلیف نیست بلکه نمادی از عشق ورزی با جمال ربوبیت است، خشوع و خضوعی که در برابر خداوند دارد او را در جامعه مغرور و متکبر نمی سازد "إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ" (الفاطر ۲۸) هرچه معرفتش بیشتر شود مدال ترفیع بیشتر گرفته و به قرب الهی نزدیکتر و فروتنی اش در جامعه بیشتر می شود. "يرفع الله الذين آمنوا منكم و الذين اتوا العلم درجات (مجادله ۱۱) و چون متکبر نیست تعاملش با دیگران بهتر است و این تعامل خوب، موجب دوستی می شود، زیرا یکی از نتایج کار نیک، ایجاد مهر و محبت در جامعه است کسی که مشکل او را برطرف ساخته اید یا کار خوبی برای او انجام داده اید نسبت به شما احساس دوستی و برادری می کند. عمل صالح علاوه بر ایجاد محبت بین انسانها، محبت الهی را نیز جلب می کند. عارف قرآنی، محبت الهی را نه فقط برای خود که برای برادران مومنش نیز از خدا درخواست می کند. "رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ" (الحشر، ۱۰)، او هم کیشان خویش را برادر می داند و برای اصلاح امور آنان تلاش می کند. "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ" (الحجرات، ۱۰)

۲- صبر و بردباری در حوادث ناگوار

زندگی انسان در دنیا پر از فراز و نشیب است. چه بسیار کسانی که در برابر مشکلات صبر از کف داده و جان خویش را از دست داده اند. انسانهای صبور مشکلات زندگی را با سلاح صبر از بین می برند. عارف قرآنی چون هر حادثه ای را ابتلا و آزمایش الهی می شمارد لذا در هنگام نا ملامت، صبر و بردباری پیشه می کند تا از امتحان سر بلند بیرون آید.

"وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ" (البقره، ۱۵۵). در آیه ی دیگر، قرآن، مؤمنین را در زمانی که مشکلات به آنها روی آورده است، به صبر و بردباری و برپایی نماز فرا می خواند "يا أَيُّهَا الَّذِينَ

أَمِنُوا سَتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (البقره، ۱۵۳) گفته شده "شخصی از نیازمندی خود به حضرت صادق-علیه السلام- شکایت کرد. حضرت در پاسخ وی فرمود: «بردبار باش که به زودی خداوند، فرج تو را خواهد رساند». (کافی/ج ۲/ص ۲۵۰) حوادث و پیش آمد ها را بر اساس تقدیرات الهی می داند و در مشکلات بی تابی نمی کند بلکه با صبر و هشیاری راه حل مناسب را بر می گزیند.

۳- پایبندی به تعهدات در افراد

عارف قرآنی می داند که تعهد در جامعه و عمل کردن به آن علاوه بر آنکه یک تعهد اخلاقی و اجتماعی است، بر اساس آموزه های قرآنی یک وظیفه و دستور شرعی است که مورد تاکید مؤکد قرار گرفته و بی توجهی به آن از گناهان به شمار می رود. "أوفوا بالعهد أن العهد كان مسؤولاً" (الأسرى، ۳۴) و "یا ایها الذین آمنوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ کبر مقتا عند الله أن تقولوا ما لا تفعلون. (الصف، ۳) لذا به عهد و پیمانی که می بندد پایبند است. "و إن کُنْتُمْ عَلٰی سَفَرٍ و لَمْ تَجِدُوا کَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فإِنْ أَمِنَ بَعْضُکُمْ بَعْضًا فَلَیُوَدِّ الذِّی اَوْءْتَمِنَ" (البقره، ۲۸۳)

۴- رفع تنش های اجتماعی

عرفان قرآنی در یابی از معرفت است که هر کس به فراخور حال و توان خویش از آن بهره مند می گردد. عارف با توجه به درجه شناخت و معرفت خود از مسائلی که در اطرافش می گذرد، پاسخ های مناسب می دهد، او می داند که حُبّ نفس یعنی حُبّ دنیا، و چون حُبّ نفس را کنار گذاشته است پس به دنیا هیچ وابستگی و دلبستگی ندارد، زیرا می داند که تمام گرفتاریهای انسانها از حُبّ نفس و حُبّ دنیا است. "امام علی (ع): «واعلم ان کل فتنه بدوها حب الدنيا و لاتغبط احدا بکثره المال فان مع کثره المال تکثر الذنوب لواجب الحقوق. " (بدان که آغاز هر فتنه ای دوستی و محبت دنیا است. و به مال زیاد هیچ کس غبطه نخورد، زیرا مال بسیار به خاطر حقوق واجب، مایه گناه بسیار است. (اصول کافی، ج ۳، ص ۲۰۳). عارف قرآنی، بر اساس آیه ی مبارکه ی "ما عندکم ینفد و ما عندالله باقی" (النحل، ۹۶) چون دنیا را فانی می بیند هیچ گونه دلبستگی به آن نخواهد داشت و چون دلبستگی به دنیا ندارد رفتار او باعث می شود که از بسیاری تنازعات زندگی که ناشی از زیاده خواهی بشر است جلوگیری کند. "إِجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ" (الحج، ۳۰). با عمل به ایه ی "وَالکَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" (آل عمران، ۱۳۴)، نسبت به اشتباه دیگران خشمگین نمی شود یا خشم خود را فرومی برد و بهترین کار را عفو و بخشش می داند. "واعف عنهم واصفح إن الله یحبُّ الموحسین" (المائده، ۱۳) اگر مباحث عرفانی در جامعه و بین جوانان رواج یابد، بسیاری از بزه کاریها، لغزشها و تخلفات از قوانین، کاهش می یابد. پس یکی از راههای کاهش جرائم در جامعه این است که همه ی نهادهای فرهنگی و اجتماعی در گسترش عرفان قرآنی تلاش کنند.

۵- ایجاد آرامش روحی در جامعه

خدا جویی، گرایش به معنویت و بازگشت به اصل خویش، یکی از نیازهای فطری بشر است. رسالت همه ی انبیاء و دستورات و فرامین آسمانی آنان، هدایت و راهیابی انسان از تاریکی جهل به روشنی علم است. آخرین حلقه ی انبیاء الهی که حدیث "لولاک" در وصف او آمده، پیام آور بزرگ اسلام، حضرت محمد(ص) است و قرآن، این معجزه جاویدان، که "تبیاناً لكل شیء" می باشد، کتاب هدایت و تامین کننده سعادت ابدی انسان است. این کتاب الهی منشأ و مصدر عرفان الهی است. فقط به واسطه ی خدا و راهنماییهای اوست که سالک به مقصد می رسد. "لا تُدْرِكُ معرفه الله الا بالله" (شیخ صدوق، ۱۳۸۸ باب ۱۱، ص ۱۴۳) خدا جویی و توحید دارویی برای بسیاری از بیماریها و تنش ها در جامعه است. امروزه برخی از روانشناسان موضوع دین درمانی را برای ایجاد آرامش در جوامعی که از دین فاصله گرفته اند تجویز کرده و معتقدند که توحید آرامشی فراگیر به شخص میدهد و سرتاسر وجود او را در بر می گیرد و هیچ جایگزینی برای آن نیست. توحید درمانی با کل فرد مواجه می شود و به همه جنبه های کارکرد و علائق انسانی اهمیت می دهد. (جلالی تهرانی، ۱۳۸۳)

پس با برآورده شدن مهمترین نیاز بشر، یعنی خداجویی و گرایش به معنویت، انسان از سرگردانی نجات می یابد و به یک آرامش روحی می رسد. کسی که قرآن نقشه ی راه او باشد و خداوند هدایت گری او را به عهده داشته باشد، خیالش آسوده و بالاترین آرامش روحی را در جامعه خواهد داشت و این آرامش، مانع و بر طرف کننده بسیاری از مشکلات از زندگی عارف خواهد بود.

۶- گسترش احسان و نیکوکاری

در جامعه ای که عرفان قرآنی حاکم است، هیچ تلاش و کوششی بدون پاداش نمی ماند، زیرا مردم می دانند که شکر نعمت است که موجب فزونی نعمت می شود و کفران نعمت، نعمت و کاستی می آورد. "لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید" (ابراهیم، ۷)، از طرفی عارف می داند که ایمان با عمل صالح معنی و ارزش پیدا می کند. "إن الإنسان لفی خسرٍ إلا الذین آمنوا و عملوا الصالحات" (سوره مبارکه العصر). آیات بسیاری در قرآن وجود دارد که خداوند مومنین را به انجام کار نیک فرا می خواند. "إن الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی" (النحل، ۹۰)، و اینکه نیکی، نیکی می آورد. "هل جزاء الإحسان إلا الإحسان" (الرحمن، ۶۰). پس عارف تمام سعی و تلاش خود را در جهت گسترش احسان و نیکوکاری در جامعه به کار می برد تا رضایت حق تعالی را به دست آورد. "فضایل اخلاقی و اعمال صالح از وسایل تربیت انسان است تا او خدا گونه شود، نه اینکه همین انسان بماند و از نعمتهای بهشت برخوردار باشد" (یثربی، یحیی، ۱۳۷۹)

۷- توجه به نیازمندان و رفع مشکلات آنان

در قرآن مجموعه ی بزرگی از آیات به موضوع نیازمندان و رسیدگی به مشکلات آنان اختصاص داده شده است. نکته بسیار ظریف تر از آن اینک همکمی کننده نباید بر فقیر منت گذارد زیرا ثواب عمل را از دست می دهد " لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الأذی" (بقره، ۲۶۴) و مسکین و فقیر و در راه مانده حقی در اموال او دارند که این حق باید به آنان برگردد. "فآت ذی القربی حقه و المسکین و ابن السبیل" (الروم، ۳۸)، حتی اگر صاحب مال به مال خویش علاقه مند باشد. "وأتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین ... " (البقره، ۱۷۷). قرآن کریم در بسیاری از موارد کفاره ی گناهان را إطعام فقرا و مساکین قرار داده است. پس می بینیم که بسیاری از آیات قرآن، در موارد مختلف، جهت حل مشکلات مالی مردم، مؤمنین را به رفع فقر و تنگدستی از محرومین دعوت می کند و عارف قرآنی با عمل به شریعت، و با کمک و مساعدت به نیازمندان، مشکلات آنان را بر می دارد و چنانچه عرفان قرآنی در جامعه گسترش یابد، در چنین جوامعی، فقیر و نیازمندی باقی نمی ماند.

۸- بر چیده شدن فساد و فحشا

وقتی فقر و تنگدستی در جامعه ای نباشد بسیاری از مشکلات اخلاقی از آن جامعه برچیده می شود. در جامعه ای که عرفان قرآنی سیطره دارد، براساس آموزه های دینی، عارف با کنترل هوای نفس و انجام دستورات دینی که به آنها معرفت یافته است، چه در خلوت و چه در کثرت، خدای بزرگ را شاهد و ناظر می بیند لذا نه خود مرتکب فساد و فحشا می شود و نه نسبت به مشکلات اخلاقی دیگران بی تفاوت خواهد بود. "ولا تقرّبوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن" (الانعام، ۱۵۱) فساد و فحشا چه به صورت ظاهر و چه به صورت پنهان به عنوان گناه محسوب می شود که شرع مقدس اسلام آن را حرام کرده است "قل إنما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن" (الاعراف، ۳۳) پس با معرفت به موضوع حرمت فساد و فحشا در نزد عارف، حریم آن شکسته نمی شود. پس یکی از آثار عرفان، کاهش فساد و فحشا در جامعه است.

۹- بر چیده شدن تملق و چاپلوسی و ایجاد یکدلی و یکرنگی

یکی از بزرگترین مشکلات جوامع امروزی، معضل فراگیر و در حال گسترش تملق، ریا و چاپلوسی است. این معضل، بیشتر در رفتار افرادی کسانی بروز می یابد که رابطه ضعیفتری با خدا دارند، بسیاری از مشکلات دیگر اجتماعی نیز نتیجه تملق و چاپلوسی هستند. کسانی که معرفت الهی ندارد برای دستیابی به اهداف خود، به راحتی دروغ می گویند، تملق می ورزند و چاپلوسی می کنند. هر مورد از موارد ذکر شده آسیبهایی را به جامعه وارد می کند که از آثار آن، دروغ، تهمت، ریا، و بسیاری

از موارد بزه کاری و پرخاشگری در جامعه است. در جامعه ای که عرفان قرآنی حاکم است، عزت فقط برای خدا و پیامبرش و مؤمنین است " ولله العِزَّةُ و لِرَسُولِهِ و لِلْمُؤْمِنِينَ " (المنافقون، ۸) و عارف به معرفت الهی، قدرت مطلق بلا منازع را خداوند تبارک و تعالی می داند، پس جز از خدا از کسی نمی ترسد و در برابر هیچ قدرتی کُرنش نمی کند، شخصیت خود را بالاتر از آن می داند که برای کسی تملق و چاپلوسی کند، زیرا تملق و چاپلوسی برای رسیدن به پست ها و مقامات دنیوی است، او که برای خود نیازی به این مقامات نمی بیند تا بخواهد برای به دست آوردن منافع یا پست و مقامی، چاپلوسی کند. همچنین چون خدا را شاهد و ناظر همه ی کارها می داند، دروغ نمی گوید و منافقانه عمل نمی کند.

عارف قرآنی توجه دارد در عین حالی که با نفس امارهٔ بالسوء، مبارزه می کند و این کار را جهاد اکبر می داند. در عین حال مراقب و مواظب است که کرامت نفس خویش را نیز حفظ کند. "متأسفانه ما پیوسته با تغییراتی مانند نفس گشی برخورد می کنیم، این عده تهذیب و اصلاح نفس را درست متوجه نشده اند و مسئله کرامت نفس را به فراموشی سپرده اند و به جای دوری از خود بینی، خود خواهی و خود پسندی و تمام عواملی که باعث سرکشی نفس می شود معتقد به ذبح نفس اند. (مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲)

۱۰- گسترش و پیشرفت علم و برچیده شدن جهل

اولین آیات نازل شده بر پیام آور بزرگ اسلام(ص) در موضوع علم و اهمیت آن است "إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَا يَعْلَمُ" (القلم، ۱ تا ۴). در جامعه ای که عرفان قرآنی حاکم است. عارف به معرفت الهی در قرآن یافته است که علم ممدوح خداوند تبارک و تعالی و جهل و نادانی مورد نکوهش است، پس عارفی که متخلق به اخلاق الهی است، علم را نور و روشنایی و جهل را ظلمت و تاریکی می بیند و برای گسترش علم و نور الهی در جامعه تلاش می کند. هرگز علم و دانایی را با جهل و نادانی برابر نمی داند پس همواره برای از بین بردن جهل و آگاهی دادن به جامعه در تلاش است. "قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ" (الزمر، ۹)

نتایج

۱. گرایش انسان نسبت به شناخت و معرفت الهی فطری بشر است
۲. منبث عرفان اصیل، قرآن است
۳. عارفی که قرآن نقشه راه اوست برخی از آثار منتج از رفتار او در جامعه را می توان موارد زیر را بر شمرد. ایجاد محبت و برادری، صبر و بردباری در حوادث ناگوار، پایبندی به تعهدات در افراد، رفع تنش های اجتماعی، ایجاد آرامش روحی در جامعه، گسترش احسان و نیکوکاری، توجه به نیازمندان و رفع مشکلات آنان، بر چیده شدن فساد و فحشا، برچیده شدن تملق و چاپلوسی و ایجاد یک دلی و یک رنگی در جامعه، گسترش و پیشرفت علم و برچیده شدن جهل.

پیشنهادات

- ۱ - عرفان قرآنی، غنی ترین و کامل ترین عرفان است و بهترین مراکز برای طرح آن، مساجد، مدارس، حوزه های علمیه و دانشگاه ها هستند. چنانچه عرفان اصیل از لابلای کتابها و کتابخانه ها به فضای جامعه بیاید، و با طرحی نو و بر اساس آموزه های قرآنی به علاقه مندان ارائه گردد محسنات عدیده ای را مشمول جامعه می کند.
- ۲ - در تاریخ اسلام، عرفای بزرگی در دامان قرآن پرورش یافته اند. باید این شخصیت های بزرگ و آثار فاخر و گرانبهای آنان به مردم معرفی شوند.
- ۳ - زبان عرفان قرآنی، زبان و ادبیات نسلهای گذشته است. باید این زبان، زبان روز، ساده و روان شود تا جوانان و نسلهای آینده با آن انس بیشتری بگیرند و از آن بهره مند گردند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارالفکر
۳. بندر ریگی، منجدالطلاب، تهران، ناشر اسلامی، ۱۳۶۱
۴. جعفری، محمد تقی، تفسیر مثنوی معنوی، دفتر پنجم، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، اسلامی، ۱۳۸۹
۵. خمینی، روح الله، تبیان، دفتر سیزدهم، موسسه، ۱۳۷۵
۶. جلالی تهرانی، ۱۳۸۳، نقد و نظر، شماره ۳۵ و ۳۶.
۷. خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۹.
۸. شیخ صدوق، توحید، ج ۷
۹. عمید، فرهنگ عمید، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۳۵
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب T اصول کافی، ج ۳، ولی عصر، ۱۳۷۵
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب T اصول کافی، ج ۲، ولی عصر، ۱۳۷۵
۱۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، انسان کامل، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. مولوی رومی، جلال الدین، مثنوی مولوی
۱۴. یشری، یحیی. پژوهشی در نسبت دین و عرفان، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶